

رحمت للعالمین

ای کہ بر فرق تو حق بخواد تاج سروری را
باشد از ذات شریف تو شرف پنبیری را
ای کہ با خلق عظیم خویش دل بردی ز خالق
مجبو تو هرگز ندارد کس ادای دلیری را
در بشر فوقیت رنگ و نسب باطل نمودی
ای بہ شرمعت جذبہ تقوی کس نیابد برتری را
نور صبح رحمتی و رحمتہ اللعالمینی
روشنی از پرتو تست آفتاب خاوری را
صاحب امر خداوندی، خلائق بندگان
کلم تو فرض آدم و افروخته و جن و پری را
رهبران را نقش پای تو دلیل راه باشد
پیروی از نقش پایت شرط باشد رهبری را
پست شد در پیش پای تو بلندی های گردون
نسبتی با پایه تو نیست چرخ چنبری را
تا تو محراب حقوق بندگان بنیاد کردی
بر زمین افتاد یکسر پایه، قصر قیصری را
خاکساران غیور در تخت پامال کردند
شوکت کینخسروی و سطوت اسکندری را
ظلم را از بین بردی، حق بہ حق داران سپردی
در جهان کردی بنا ایوان عدالت گستری را
تو اگر یاور نباشی، راه حق رفتن محال است
انیا در راه حق جویند از تو یآوری را
تا رخ روشن نمودی، ظلمت از عالم زدودی
یاد گیرند از رخت روشنگران روشنگری را

ذات تو نور حق است و قدر تو حق راست آری!

راست می گویند باشد قدر گوهر گوهری را

شکر به طالع روشن بود از صبح رویت
نیستم محتاج از چرخ فلک نیک اختری را

از کرم "اکرام" را پذیر اندر بندگیت
ای که بر فرق تو حق بخشاید تاج سروری را

(از سفینه سخن)

عن ابی هریرة قال وعدنا رسول الله صلى الله عليه وسلم غزوة الهمد فان ادركتها انفق فيها نفسي ومالي اقتل كنت من افضل الشهداء فان ارجع فانا ابو هريرة المحرر
ترجمہ

ابو ہریرہؓ سے روایت ہے کہ حضورؐ نے ہم سے غزوہ ہند کا وعدہ لیا، پس اگر میں اس وقت کو پاؤں تو میں، جان اور مال خرچ کروں گا، اگر قتل کیا جاؤں تو افضل الشہداء قرار دیا جاؤں گا، اگر واپس لوٹ آیا تو میں آزاد ہوں گا۔

(نسائی جلد ثانی ص ۵۲)

اہل تشہیر کی مدد کیجئے